

مَجْمُوعَةُ السَّمَاءِ

تأليف

العلاء الدين أبو الفتح الطنيط

أبو بكر محمد بن محمد الكهنوتي الكهنوتي

مع رسالة

التبصرة في ترجمة مؤلف التكملة

للمرحوم الذي يسمو آية الله العظمى

السيد شهاب الدين الجسيني المرعشي النجفي

دام ظلّه الوارف

من منشورات

مكتبة جليلية قم

مولی عبدالوهاب قزوینی :

مشهور بلامآقا خلف حاج عبدالعلی که خدای کلید زور از قرای قزوین .
صاحب آثار می نویسد در عربیت و ادبیات و تتبع احوال علماء و تراجم رجال
اسلام مهارت کامل داشت و در مجلس تالیف نامه و انشوران ناصری مستخدم بود
امسال که یک هزار و سه صد و شش هجری است باه محرم درگذشت .

جناب سیتاب آیه الله فی العالمین و حجة علی الجاحدین وارث علوم
اوصیاء خیر البشر المجدد للذنب الجعفری علی ریس المائة الثالثة عشر مولانا
و مولی الکوین المقفی لآثار آباء المصطفین :

جناب السید حامد حسین اعلی الله مقامه :
وزاد فی الخلد اکرامه :

عقول عقلاء و الباب الباء در درک علوم متب و سمو منزلت این بزرگوار مندا
و حایر و السن بلغاء و مقال فضحاء از بیان امیر فضایل و اقل فوصل این حجة
الحق عاجز و حاضر است همانا به که زبان کلیل قلم بجزیر شمه از احوال تاریخیه بگوید
لیکن مشکل است که از عمده این مطلب هم کما ینبغی برآید .
نام نامی این بزرگوار در صل سید مهدی است و کنیت مبارکه ابوالنظر
لیکن بنام سید حامد حسین معروف و مشهور گردیده و چه این شهرت آنست که اولاد
ماجدش در عالم منام مشرف بزبانت جدا مجدش سید حامد حسین رحمه الله بود
که بعد از انقباه خبر مستر اثر ولادت این نور نظر بسمع مبارکش رسید لاجرم بنام جد

امجد شش اور اشہرت بحشید .
نسب شامخ الرتب :

هو العلامة السید حامد حسین بن العلامة السید محمد علی بن السید
محمد حسین المعروف بالسید الله کرم بن السید حامد حسین بن السید زین العابدین
بن السید محمد المعروف بالسید ابوالوفی بن السید محمد المعروف بالسید ملا ابن السید
حسین المعروف بالسید میسر بن السید حسین بن السید جعفر بن السید علی بن
السید کبیر الدین بن السید شمس الدین بن السید الجلیل جمال الدین بن السید الاجل
شهاب الدین ابوالمظفر حسین الملقب بسید السادات المعروف بالسید علاء الدین -
اعلی بزک بن السید محمد المعروف بالسید عز الدین بن السید الاوحد شرف الدین
ابیطالب المعروف بالسید الاشرف بن السید الاظهر ذی المناقب محمد الملقب بالمهدی
المعروف بالسید محمد الخروف بن حمزة بن علی بن ابی محمد بن جعفر بن مهدی بن ابیطالب
بن علی بن حمزة بن اطاقم حمزة بن الامام ابی ابرهیم موسی کاظم بن الامام علی بن
جعفر الصادق بن الامام ابی جعفر محمد الباقر بن الامام ابی محمد علی زین العابدین
بن السبط الشہید وچنانہ الرسول و فرقة عن المرضی والبنول ابی عبد الله الحسین بن
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیہم اجمعین .

تاریخ ولادت باسعادت :

این بزرگوار در بلده میرٹھ بتاريخ پنجم ماه محرم ۱۱۷۱ لیکمز رو دو صد و چهل و شش
از ہجرت متولد شد محل ولادت آن قبلہ دنیا و دین در وقت ولادتش بیت

سکنای والد ماجدش بود لیکن الحال حسینیه معتبرست که همیشه مجالس معجور است
و محل نزول رحمت خواهد ماند .

عهد طفولیت :

در مبداء عمر آثار فرزادگی و اعلام علو مرتبت از ناصیه مبارکه اش تا بنده بود
هر شب بی آنکه اخوانش از کتاب حمله حیدری میرزا رفیع باذل یکدو صفحه بخوانند خواب
نمی فرمود گویا شاعر عرب برای همین جناب این بیت نظم کرده بود :

واذا انطى مهذا فلین بنیه الا نشهد مدآشح الاجداد

در سنین خوردسالی چنان ذکاوت طبع از آنجناب ظاهر میشد که مردم تعجب
می نمودند و وصول آنجناب را بهارج عالی علم و عمل تفریس میکردند .

مبداء تعلیم :

ابتداء تعلیم آنجناب در سال هفتم از عمر مبارک شروع شد چنانچه جناب والد
ماجدش طاب ثراه بخط خود این امر را ثبت فرموده عین عبارتش این است :

« سید مهدی ابوظفر عرف سید حامد حسین سلمه الله تعالی بتاریخ هفدهم ربیع

الاول ۱۲۵۲ هجریه مقدسیه که روز ولادت با سعادت حضرت رسالت است

بمکتب نشسته پیش شیخ کر معلی خواندن شروع کرد خدای تعالی شأنه توفیق

تحصیل تمامی علوم متعارفه و خواندن کتب متداوله عطا فرماید بجاه محمد و آله

الاطهار »

و بعد از این عبارت این دعا که مقتبس از کلام ربانی است مکتوباً بخط والده

المجاهد طاب ثراه یافته شد غالباً در مبداء مکتب نشینی بتلقین والد ماجد خود طاب ثراه
آنرا بر زبان مبارک فرموده باشند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدًا
مِنْ لِسَانِي يَفْهَمُوا قَوْلِي رَبِّ يَسِّرْ وَتَمِّمْ بِالْخَيْرِ وَأَدْفَعْ عَنِّي كُلَّ ضَرِيرٍ .

بعد از انقضاء مدت سیره تعلیم آنجناب را جناب والد ماجد شش طاب ثراه خود
تشکّل شدند و تا سال چهاردهم عمر کتب مداوله ابتدائیه را با سخام رسانیدند سال
پانزدهم عمر مبارک بود که والد ماجد آنجناب در لکنو تشریف آورده بر حمت حق پیوستند
لاجرم برای تکمیل تحصیل رجوع بدیگران لازم افتاد شرطی از کتب ادبیه مثل مقامات
حریری و دیوان منتجبی را پیش مولوی سید برکت علی صاحب مدرس بعض مدرّس
لکنو خواندند من بعد بخدمت جناب حجت الاسلام مفتی الانام مولانا السید محمد عباس
القتیری طاب ثراه رسیده کتاب مستطاب پنج البلاغه را بر آنجناب عرض نمودند
کتب علوم عقلیه را از جناب السید مرتضی بن سلطان العلماء طاب ثراه اخذ فرمودند
و اسفار علوم شرعیه را از جناب سلطان العلماء و جناب سید العلماء برداشتند
فرا گرفتند بیشتر اختصاص شان از حیثیت استفاده از اساتذّه خود مهربانان
و وقتیکه کتاب ریاض المسائل را از جناب سید العلماء طاب ثراه اخذ میفرمودند
احدی از تلامذّه و مستفیدین جناب سید العلماء رحمه الله را تا ب مجارات و مبارات
آنجناب نبود خود سید العلماء رحمه الله بر توقّف خاطر و حدت ذهن آنجناب آفرینها
میفرمود و تمام مدت تحصیل در دو مقام آنجناب را با جناب سید العلماء طاب ثراه

دراخذ و تفهیم فی کلمه تاملی و توقفی رخ نمود حالات اخذ اسجاب مناہج التذوق را کہ از تصنیفات عالیہ جناب سید العلماء رحمہ اللہ میباشد از این ہم عجیب تر است ہنوز از کتاب مذکور نسخہ مرقوۃ اسجاب در کتابخانہ اسجاب مخزون است از طاعت حواشی آن جودت نقد و عظمت تحقیق اسجاب در آن عمر افادات کمالیہ و ارشادات عالیہ برہر ناظر بصیر واضح میشود .

با کلمہ در عرض چند سال تحصیل علوم را با انجام رسانیدہ اشتغال بخدمت تصانیف والد ماجد خود طیب التدریس فرمود اول فتوحات حیدریہ را تصحیح و تنقید نمود و در آخرش عبارتی تحریر فرمود کہ دلالت بر کمال اسجاب در علم ادب دارد من بعد رسالہ تقیہ را کہ آنہم از تصانیف منیفہ والد ماجدش طاب مس بود تصحیح و تہذیب نمود پس از آن بتصحیح و اشاعت کتاب مستطاب تشید المطاعن کہ جملہ نوادر عصر و افراد ہرست اشتغال فرمود سالہا سال در تبیین و تصحیح و مقابلہ عبارات آن با اصول کتب مصروف ماند و الحق احسانی عظیم بر مذہب اہل حق باین خدمت گرا بہا بگذاشت ہنوز از این مطلب فرصت دست ندادہ بود کہ از جانب مخالفین منستہی الکلام شایع شد بعد از شیاع آن مخالفین از راہ استکبار عرصہ را بر عوام اہل حق بلکہ خواص ایشان تنگ تصور مینمودند و فخر بزرگوار چنین کتاب می کردند خود مؤلف منستہی الکلام بالاخوانی و ہرزہ درانی را از حد گذرانیدہ بود و احدی را از اہل حق قادر بر جواب آن نمیداشت حتی اینکہ میگفت اگر اولین و آخرین شیعیہ جمع شوند کتاب مراجعین

نوشت علماء عصر مثل سلطان العلماء و سید العلماء و جناب مولوی سید محمد علی
 محمد آبادی و جناب حجۃ الاسلام مفتی الانام السید محمد عباس شستری و دیگر علماء
 رحمہم اللہ بسبب اقتنائش احوال سلطنت لکھنو و دیگر عوائل از توجہ بجا کتاب
 مذکور متنوع بودند لیکن صاحب ترجمہ بجلداتہ تعالیٰ این مہم را در عرصہ شش ماہ
 انجام داد و کتاب استقصاء الافحام فی نقض منتهی الکلام را تصنیف
 فرمود بعض مباحث آرا علماء عصر ملاحظہ نموده و حیرتہا مینمود و باستماع مضامین
 کرامت آگین را وجد میفرمودند مباحث تا پیدا صوتیین آرا بسبب ذوق فقہ
 جناب سید العلماء طاب ثراہ بیش از پیش استجادہ میکردند و بکلمات مستفحلہ و
 استعظام تام آرا مذکور میاخذند این کتاب از وقتیکہ شایع گردید بنحوی کسر و شکست
 مخالفین شد کہ ناگفتہ میباشد خود صاحب منتهی الکلام سالہا سال در بلاد ہند
 گردش و والیان ریاست مخالفین اورا بہرنج مد میکردند لیکن از عمدہ جویش
 بر نیامد و بعد او ہم در مخالفین اکثر اوقات اجتماعات عدیدہ واعدادات شدیدہ
 برای جوازش بعل آمد لیکن منتج نتیجہ نشد الحال تصنیف استقصاء الافحام در
 مغازی علمیہ مثل غزوة احزاب تصور باید کرد و آیه کفٰی اللہ المؤمنین الفئال را
 شاہد حال باید دانست بعد از تصنیف استقصاء الافحام بسوی تکمیل شوارق
 النصوص توجہ نمودند و در مدت سیرہ مجلدات عدیدہ آن جمع فرمودند این کتاب
 ہم از آیات باہرہ و بیانات زاہرہ فضل و کمال آنجناب است من بعد تصنیف
 و اشاعت کتاب بحقائق الانوار کہ اعظم ادلہ حقیقت مذہب اہل حق

و اکبر حج صدق دین اهل تشیع است عطف عنان فرمودند و تا آخر عمر در تصنیف و اشاعت آن اشتغال داشتند و مجلدات عدیده آنرا ظاهر ساختند استنجاب با در ۱۲۱۲ یک هزار و دو صد و هشتاد و دو سفر حج و زیارت عتبات عالیات پیش آمد در حریم شریفین کمال جد و جهد از کتب مأدوره انتحانات بقلم خاص فرمودند که مایه حیرت اولی الاباب است جا بجا در عتبات ذکر این مطلب میفرمایند کما لا یحیی علی من طالع مجلداتیه .

در این سفر با علماء عراق اجتماعات مجتبرانه واقع شد و جمله علماء آنجا احترامات فوق العاده نسبت بانحجاب بعل آوردند بعد از مراجعت از این سفر اقبال تام بر تکمیل تصانیف خود فرمودند و جمیع اوقات خود را مستغرق در جهاد علمی نمودند در آخر عمر امراضی که از کثرت محنت در اشغال علمیّه حاصل شده بود در صدر و ضعف دماغ و قلت اشتها و تحول بدن غلبه نمود لیکن در اشتغال بتصنیف تقلیلی نفرمودند و چون اشغال علمیّه بمنزله غذای روحانی بود اکثر اوقات اشتغال بمطالعه کتب و املاء مضامین مؤید روحانی میشد در تصنیف و مجاهده دینی بجای انها کاشتند که هرگاه بوجه درد دست یمین از کار افتاد بدست یسار تحریر مینمودند و هرگاه دست یسار هم کار نمیکرد بزبان املاء میفرمودند هیچ مانعی را در این باب مانعی نگاشتند و همیشه علم نصرت دین مبین در دست داشتند تا آنکه :

در هیجدهم ماه صفر سنه ۱۳۱۱ یک هزار و سه صد و ششش داعی اجل را بسپیک اجابت فرمودند و در حسینیه جناب غفرانآب طاب شراه مدفون شدند هرگاه

خبر وفات آنجناب در عراق رسید مجالس عدیده فاتحه خوانی بنا شد
و تمامی علماء شریک عزاشدند و اکابر او با قصائد کثیره لاصحی در مرثیه انشا نمودند

تصانیف عالییه :

اعظم تصانیف آنجناب کتاب عبققات الانوار فی امامه الاطهار است

که سی مجلد میباشد .

و از آنجمله است کتاب استقصاء الافحام فی نقض منتهی الکلام که ده مجلد میباشد

و از آنجمله است کتاب شوارق التصوص که پنج مجلد است .

و از آنجمله است کتاب کشف المعضلات فی حل المشكلات که مجلدات

عدیده دارد .

و از آنجمله است لعن البتار فی مبحث آیه العار که مجلد مبسوط است .

و از آنجمله است افحام اهل المین فی رد ازاله الغین که مجلدات عدیده دارد

و از آنجمله است انجم الثاقب فی مسئله الحجاب فی الفقه و هذا الکتاب

عجیب جدا و له ثلث قوالب کبیر و وسیط و صغیر .

و از آنجمله است الدرر السنیة فی المکاتیب و المناسبات العربیة و لمین نظیر

و از آنجمله است زین الوسائل الی تحقیق المسائل مجلدات عدیده دارد

و هذا الکتاب فیہ فتاویہ الفقهیة و غیرها . و از آنجمله اندر اذرع شرح التریح فی الفقه تمیز

و از آنجمله است اسفار الانوار عن وقایع فضل الاسفار ذکر فیها ما سخر

له فی سفره الی الحج و زیارة ائمة العراق سلام الله علیهم .

صاحب آثار از بزرگی شرف بی نظیرش اعتراف داشته محضاً بنویسد
 میرحامد حسین لکهنوی از آیات الهیه و حجج شیعۀ اثنی عشریه است گذشته
 از مقام فقاهت در علم شریف حدیث و احاطۀ تام بر اخبار و آثار و معرفت احوال
 رجال از شعب شیعیه و اهل سنت و جماعت اولین شخص امامیه است قولاً مطلقاً
 و در فن کلام لایستما بحث امامت که از صدر اسلام تا کنون مابین مادی و فرقه بزرگ
 از این ملت میمون معنون گردیده صاحب مقامی مشهور است و موقفی بین مسلمین
 مشهور هر کس کتاب عبقات الانوار این بزرگوار دیده باشد میدانند که در باب
 مذکور در کتاب مسطور از اولین و آخرین احدی بدان منوال سخن نرانده است و آن
 منطقی تصنیف نپرداخته از آراءات مؤید بودن وی من عند الله ظفر فیتن است
 بصواقع خواجه نصرالله کابلی که شاه صاحب دهلوی تمام آنرا انتحال نموده و از آثار
 موفق بودن او بدست آوردن کتب و اساسات تالیف و جمع است
 میگویند در انواع علوم قرب سی هزار مجلد مابین صغیر و کبیر و خطیر و سیر در کتابخانه
 عامه این مرتضی العصر نسخه موجود است و این سخن را از او عظمی بزرگ نیر شنیدم
 که در طهران بر فراز منبری مذکور داشت والله العالم اگر چه این سید اجل و حافظ
 اکمل از مردم ایران نیست مقام و دو مان کرامت نشان ایشان در لکهنوازه مالک
 هندوستان میباشد ولی چون اصلاً از نیشابورند پس در این باب از این کتاب
 می بایستی مذکور شوند .

فی التایخ که سنه ۱۲۰۰ است خبر رسید که بحببت جاوید خرامید قدس الله لطیفه و ترمز

التشريفه انتهى .

جناب سید تطاب سید الجهادة الکرام عمدة الاساندة الاعلام زبدة الملتحقين
تحت المجتهدین الصادق قباب مجده علی السماکین المرزی جواهر کلمه بالعسجد
التلجین حجة الاسلام آية الله فی الانام نائب الائمة الکرام علامة العلماء سحریر
الفقهاء مولانا ومقتدانا :

جناب لمفتی السید محمد عباس الموسوی الشوشتری خزار

افاض الله علی جدته الشریف شایب الرضوان وسکنه برعمته بجای الجنان
زبان ژولیده بیان تاب بیان احوال مکرمت اشتمال اوندارد وقلم شکسته
زبان نمی تواند شمه ای از آن بر صفحه قرطاس بنگارد کلک نیستانی اگر در وقت
مدح سرایش با شاخ سدره المنتهی لاف همسری زندعجب نباشد و صفحه قرطاس
وقت نگارش اوصاف او اگر با صحن بهشت چشمک زنی نماید بی سبب نباشد
صحرائی نامحدود مدحش از پای اشوب خاتم سر شکسته نتوان پیمود و صورت
زیبای رفعت واعتمایش در آئینه صفحه نتوان نمود آوازه علم و کمالش در قطا
علم پیچیده و شیره فضل و بر عتقش با بدان اقا صی وادانی رسیده خاصه و
عامه از مانده افادتش زله ربانی نموده و مخالف و موالف در اقرار و غیرت
فضیلتش زبان انصاف گشوده آفتاب مناقبش خیره کن اهل نظر و گو کعب
در آیش خضر بیابان بگرور و وسعت دائره کمالش احاطه کن محدودجات و قطا
و علو کعبش کالشمس فی رابعة النهار مستغنی از اظهار در منطق و حکمت و فلسفه